

اصول و مبانی نبوت حضرت عیسی مسیح(ع) در مقارنه میان قرآن و اناجیل اربعه

فیض اله اکبری دستک^۱

چکیده

اصل نبوت از جمله مهمترین رویکردهای مشترک در متون مقدس می باشد که این امر در قرآن کریم و اناجیل اربعه مورد تاکید قرار گرفته است. در این میان مبانی نبوت و منشور تعالیم و دعوت حضرت عیسی(ع) به عنوان یکی از پیامبران اولوالعزم به تفصیل مورد اهتمام آیات قرآن کریم و اناجیل چهارگانه قرار گرفته که به سهم خود می تواند گامی اساسی در مسأله تقریب و تقویت آموزه های مشترک دین اسلام و مسیحیت تلقی شود. در این مقاله سعی شده تا از یکسو مبانی نبوت عیسی مسیح(ع) در آموزه های اناجیل اربعه و آیات قرآن کریم مورد بررسی، تحلیل و مقارنه قرار گیرد و ازسوی دیگر اصول مشترک حاکم بر منشور دعوت و تعالیم این پیامبر بزرگ الهی نظیر: ایمان به خدا، بشارت ملکوت، تکمیل و تصدیق تورات و تعلیم و تبیین کتاب آسمانی و رفع اختلاف در برخی از دستورات شریعت تبیین گردد و در پایان دو اصل مهم «نجات بخشی» و «فدا شدن» عیسی مسیح(ع) که در آموزه های صریح اناجیل چهارگانه بدانها پرداخته شده با آیات قرآن کریم مقارنه و مورد ارزیابی قرار گیرد.

کلید واژه ها: عیسی(ع)، نبوت، مبانی دعوت، بشارت، مقارنه، قرآن کریم، اناجیل اربعه

بی تردید با بررسی و تفحص در متون و آموزه های اصیل ادیان ابراهیمی چنان دریافت می شود که همه شرایع الهی از یک سرچشمه صادر شده اند و دین، حقیقتی است زنده و فراتر از حوادث و تغییرات تاریخی. در باطن دین، حقیقت واحدی نهفته که به صور گوناگونی در شریعت های مختلف و در ادوار تاریخی متجلی شده است. انبیاء، نیز فرستادگانی از ناحیه خدای متعال هستند و برای آن مبعوث شده اند تا به بشر بفهمانند که در برابر کارهای نیک، ثواب نصیب شان می گردد و در برابر کارهای زشت عذاب. هیچ پیامبری در طول تاریخ در موضع انکار و نقد پیامبر پیش از خود بر نیامده است بلکه هر پیامبری، پیامبر پیشین را تأیید نموده و خود را ارائه دهنده همان وحی و نبوت دانسته است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «**شرع لكم من الدين ما وصي به نوحاً و الذي اوحينا اليك و ما وصينا به ابراهيم و موسي و عيسي ان اقيموا الدين ولا تتفرقوا فيه...**» (الشوری، ۱۳) از نص صریح آیه چنین استنباط می شود که متن اصلی شرایع الهی که بر پیامبران وحی می شده یک حقیقت است و هیچگونه سلیقه فردی آنان در امر ابلاغ وحی و رسالت مدخلیت نداشته است. بلکه دقیقاً آنچه به آنان وحی می شده به مردم ابلاغ می نمودند. از این رو قرآن کریم نیز شرط ایمان و تقوا را ایمان به پیامبران و کتاب های آسمانی پیشین می داند (نک: البقره، ۱۳۶، ۲۸۵، ۴، ۲۸۵؛ آل عمران، ۸۵؛ الشوری، ۱۳) از سوی دیگر، قرآن کریم خود را مصدق و موید کتاب های پیشین می داند (البقره، ۹۷؛ آل عمران، ۳، المائده، ۴۶) و اگر از هیمنه خویش بر کتاب های پیشین سخن می گوید (المائده، ۴۸) به شأن نگهبانی خویش از میراث پیشینیان همراه با حق تصرف در برخی از جزئیات اشارت دارد. (طباطبائی، ۳۴۸/۵) ما به آنچه آخرین پیام آسمانی آورده است مأمور و متعهدیم نه از آن رو که خط بطلانی به شرایع گذشته می کشد بلکه از آن رو که آیین حقیقی نوح، ابراهیم و موسی و عیسی را احیاء می کند و غبارها را از چهره پاک آن می زداید تا هر چه بیشتر شعاع نور الهی بتابد و راه ملکوت آشکارتر شود.

۲- طرح مساله

اهتمامی که قرآن کریم نسبت به ادیان گذشته و پیامبران و کتابهای مقدس آنان نشان می دهد آنچنان که باید و شاید در نوع مواجهه مسلمانان و عالمان دینی با میراث دینی یا گذشتگان بروز و ظهور نیافته است. ایمان به پیامبران گذشته و کتابهای آنها که در شمار ارکان ایمانی یک مسلمان آمده است (البقره، ۲۸۵) برای ما جز یک اذعان لفظی یا یک باور قلبی صرف نبوده است. در حالی که قرآن کریم به ما می آموزد که حتی نسبت به توده مومنان دیگر ادیان به ویژه عالمان و زاهدان آنها نیز رفتاری توأم با احترام داشته باشیم (المائده، ۹۹) به خصوص نسبت به مسیحیان و نیز کشیشیان و راهبان مسیحی این توصیه به صورت

موکدتری وجود دارد. در همین راستا در آیات متعددی از قرآن کریم از اناجیل به عنوان کتاب آسمانی سخن رفته (آل عمران، ۴۸؛ المائده، ۱۱۰؛ الحديد، ۷) و پذیرش حقانیت آن از سوی مسلمانان از شروط ایمانی دانسته شده است (البقره، ۴؛ النساء، ۶۰، ۱۶۲) قرآن کریم انجیل را در بردارنده نورانیت و مواعظی برای اهل تقوا دانسته است (المائده، ۴۶) و دانشمندان اسلامی نیز بر همین پایه آن را وصف کرده اند. (شهرستانی، ۱۹۱/۱) قرآن اشاراتی به مضامین انجیل نیز دارد و در روایات اسلامی، سوره های مئین به عنوان جایگزین قسمتی از انجیل معرفی شده اند (کلینی، ۶۰/۱/۲) در همین راستا، جایگاه والایی که قرآن کریم برای حضرت عیسی (ع) قائل است - که هیچ پیامبری پیش از او در این منزلت همپراز او نیست و مقام رفیعی که قرآن کریم برای حضرت مریم (س) قائل شده که هیچ زنی در قرآن به چنین مقامی نائل نشده است - در مواجهه مسلمانان با آن دو شخصیت معنوی بزرگ چندان مشهود و ملموس نیست. علاوه بر تمجید و تکریم پیامبران و قدیسان ادیان گذشته، تامل در متون دینی آنها نیز که اگر به همین صورت موجود، کتاب های منزل نباشند قطعاً حاوی وحی الهی هستند - از سودمندترین تلاش های ایمانی و معنوی ای است که مورد غفلت قرار گرفته است. به هر کیفیت به این واقعیت اذعان داریم که تقریب ادیان الهی امکان پذیر است و بحث و گفتگو درباره آن در این برهه از زمان، لازم و حیاتی است و آنچه آغازگر این سلسله از گفتگوهاست، احساس این ضرورت است که ادیان به حفظ و ارتقاء ایمان جمعی بشر در دوران معاصر اهتمام ورزند بر همین مبنا، کوشش های معرفت طلبانه دین پژوهان دیگر ادیان نیز برای ما محترم و مغتنم است. کوشش برخی عالمان دینی برای راه یافتن به عمق معنوی و اخلاقی دین نیز می تواند الهام بخش دیگران باشد. گنجینه های معنوی و عرفانی ادیان آنچنان غنی و پر بار است که می تواند برای همه انسانها در همه سطوح و در همه زمانها، معنابخش و جهت دهنده باشد. در همین راستا اناجیل اربعه و قرآن کریم گاه به تفصیل و گاه به اجمال به بیان داستان زندگی رسالی پیامبران الهی و مبارزات سخت آنان با حاکمان و زورگویان جامعه پرداخته و مخاطبان و پیروان خویش را با حیات نبوی و سطح تعالیم و آموزه های آنان در مسیر دعوت توحیدی و نیز سرگذشت امتهای پیشین آشنا نموده اند. از همین روی، داستان زندگی بویژه منشور تعالیم و نیر اصول و مبانی دعوت و نبوت پیامبر بزرگ الهی حضرت عیسی مسیح (ع) از جمله مسائل مشترک میان قرآن کریم و اناجیل اربعه می باشد که از یک سو علیرغم مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در خصوص تبیین سیمای تابناک فرستادگان الهی از جمله حضرت عیسی بن مریم (ع) در متون مقدس ادیان توحیدی، مساله اصول و مبانی و نیز منشور نبوت و دعوت این پیامبر عظیم الشان نه در اسلام و نه در مسیحیت آنچنان و درخور با ویژگی تمرکز بر متون مقدس آن دو مورد مطالعه و تحقیق موشکافانه و روشمند قرار نگرفته و از سوی دیگر باید اذعان کرد که شخصیت رسالی آن حضرت چه به طور مستقل و چه به صورت تطبیقی همواره تحت الشعاع مسأله تثلیث و نیز موضوع عیسیای الهی - بشری قرار گرفته است به گونه ای که

همواره مساله تثلیث بر سایر شوون زندگی فردی و رسالی حضرت عیسی مسیح(ع) سایه افکنده و اصل نبوت و دعوت ایشان هیچگاه به صورت مستقل در متون مسیحی مورد بررسی و تحقیق جدی قرار نگرفته است. هرچند که نکات عبرت آموز و جنبه های تربیتی و سازنده آن در هر دو کتاب، به حدی فراوان است که اهتمام ویژه نسبت به آنها می تواند چراغ پرفروغی فرا راه دیدگاه پیروان اسلام و مسیحیت در جهت تحکیم بنیان های مشترک عقیدتی قرار دهد. در این مجال برآنیم اصلی ترین گزاره ها و مبانی نبوت و دعوت حضرت عیسی(ع) را براساس متون اناجیل اربعه، استخراج و استقصاء نموده و آنها را با آموزه های قرآن کریم مورد مقایسه و تحلیل قرار دهیم.

۳- مبانی نبوت حضرت عیسی مسیح (ع)

در اناجیل اربعه به رسالت الهی عیسی(ع) و فلسفه آن اشارات زیادی شده است که این موارد بیشتر از زبان خود عیسی مسیح(ع) نقل و وارد شده است که طی سخنان و مواظظ خویش در هدایت بندگان خود به سوی خداشناسی و نیز دعوت آنان به اخلاقیات، توبه و ترک گناه و عدالت ورزی و همچنین بشارت ظهور ملکوت خداوند اشاره نموده است (اکبری؛ ۲۳۱) از همین روی قدیمی ترین فرقه های مسیحی که ایون نام داشته و از موحدین اولیه محسوب می شوند، عیسی را فقط رسول خدا دانسته و مقام الوهیت را به ذات مقدس الهی منحصر می کنند. رساله های متعددی که در قرون ابتدایی در دسترس مردم قرار داشتند اغلب عیسی را پیامبری چون پیامبران دیگر و خدا را، خدای واحد می دانستند. نکته مهم آنکه در این رسالات متروکه اغلب عیسی (ع) به صورت رسول و نبی خداوند مطرح می شود و نه رب و خالق خداوند (آشتیانی، ۵۲) قرآن کریم نیز نبوت حضرت عیسی (ع) را با واژه هایی همچون «نبی، رسول الله و رسولا الی بنی اسرائیل» مطرح می نماید که از دو زاویه مورد بررسی قرار گرفته است: زاویه و جهت اول، شامل آیات و سیاقهایی هستند که رسالت آن حضرت را در بیان خدای متعال بیان می دارند و جهت دوم، شامل آیات و سیاقهایی هستند که رسالت و تعالیم عیسی را از زبان خود وی بیان می دارند. در همین راستا مهمترین مبانی نبوت و دعوت عیسی(ع) در متون اناجیل اربعه و قرآن کریم را می توان در گزاره های ذیل جستجو نمود:

۳-۱- نزول وحی (روح القدس)

اصطلاح روح القدس از جایگاه عقیدتی مهم و اساسی در آموزه های مسیحیت برخوردار است تا جایی که اعتقاد به آن به عنوان یکی از اصول ایمانی مسیحیت به شمار رفته و عدم اعتقاد به آن، انسان مسیحی را از دایره ایمان خارج می کنند این اصطلاح که ارتباط تنگاتنگی با نبوت و تعالیم مسیح دارد حدود ۳۰ بار در

سرتاسر اناجیل اربعه به کار رفته که شامل افراد دیگری غیر از مسیح همچون: زکریا، یحیی، مریم عذرا و ایصابات و .. نیز می شود. ولی به طور قطع انتساب واژه روح القدس و قرار گرفتن این اصطلاح در کنار عیسی مسیح حکایت از جنبه و حیانت نبوت و رسالت آن حضرت دارد. آنجا که وی کفرورزیدن نسبت به روح القدس و سخن گفتن برخلاف او را دارای کیفر و گناه نابخشودنی معرفی می کند: «از این رو به شما می گویم هر نوع گناه و کیفر از انسان آمرزیده می شود لکن کفر به روح القدس از ایشان عفو نخواهد شد. و هر که برخلاف پسر انسان سخنی گوید آمرزیده شود اما کسی که برخلاف روح القدس گوید نه در این عالم و نه در عامل آینده و هرگز آمرزیده نخواهد شد». (متی، ۳۱/۱۲؛ لوقا، ۱۰/۱۲؛ مرقس، ۳/۲۹-۳۰). در فقرات یاد شده کفر و شرک نسبت به روح القدس به شدت تحریم شده و مستحق عذاب جاودانی قلمداد شده است چرا که منظور از روح القدس در عبارت فوق همان جبریل است که شرک نسبت به او باعث شرک و کفر نسبت به رسالت مسیح و تکذیب آن خواهد شد و از همین روی، کفر نسبت به روح القدس که واسطه پیام بین خدا و مسیح است، باعث انکار و شرک نسبت به خدای یکتا خواهد شد. هر چند که برخی از دانشمندان مسیحی عقیده دیگری دارند درباره جایگاه روح القدس بیان می کنند چرا که آنان روح القدس را یکی از اقانیم سه گانه الوهیت و ذات سوم تثلیث می دانند. «کتاب مقدس با وضوح هر چه تمامتر ذاتیت روح القدس و همچنین الوهیت او را به ما آموزش می دهد». (هاکس، ۴۱۴؛ لین، ۱۶۵ و ۱۹۶). از دیگر شواهدی که با نزول روح القدس بر عیسی مسیح به عنوان و حیانت رسالت آن حضرت از متون اناجیل اربعه می توان اقامه نمود، شهادتی است که یحیی پیامبر بدان معترف گشته و خود نیز پس از مشاهده علائم نزول وحی بر مسیح در رکاب وی قرار گرفت: «پس یحیی شهادت داد گفت روح را دیدم که مثل کبوتری از آسمان نازل شده بر او قرار گرفت و من او را نشناختم لیکن او که مرا فرستاد تا به آب تعمید دهم همان به من گفت بر هر کس بینی که روح نازل شده بر او قرار گرفت همان است که به روح القدس تعمید می دهد». (یوحنا، ۳/۳۲-۳۳). قرآن کریم نیز از و حیانت و نبوت عیسی مسیح از ناحیه خداوند صراحتاً سخن به میان آورده و ضمن ردّ عقاید شرک آلود و کفر آمیز مشرکین نسبت به جایگاه عیسی بن مریم، آن حضرت را فرستاده و پیامبر الهی معرفی می کند: «ما المسیح بن مریم الارسل قد خلت من قبله الرسل و امه صدیقه کانا یا کلان الطعام انظر کیف نبین لهم الايات ثم انظر اَنی یوفکون (المائده، ۷۷) و در جای دیگر به هنگام بیان معجزات حضرت مسیح (ع) از وی به عنوان پیامبر بنی اسرائیل یاد می کند: «ورسولاً الی بنی اسرائیل انی قد جئتکم بآیه..» (آل عمران، ۴۹) گذشته از موارد یاد شده، قرآن کریم از تایید و همراهی عیسی بن مریم به وسیله روح القدس یاد می کند که دلالت بر رسالت و نبوت و حیانتی آن حضرت دارد آنجا که می فرماید: «و آتینا عیسی ابن مریم البنیات و ایدناه بروح القدس». (البقره، ۸۷ و ۲۵۳)

۳-۲- ارائه معجزات

از دیگر موضوعات مهمی که به عنوان مبانی رسالت حضرت عیسی مسیح (ع) شناخته می شود و با شخصیت رسالی و نبوی آن حضرت ارتباط تنگاتنگی پیدا می کند، موضوع معجزه و انجام اعمال خارق العاده ای است که عیسی مسیح (ع) در مسیر رسالت و تعالیم خویش به خاطر اثبات حقانیت رسالت الهی خویش از سوی خداوند بدان اهتمام می ورزیده، است. با نگاهی به متون اناجیل اربعه، معجزات فراوان و متعددی برای شخصیت رسالی عیسی مسیح (ع) بیان شده که مهمترین آنها را می توان در مواردی همچون شفای بیماران مانند شفای جزامی، افلیج، دیوانه و... (متی، ۱/۸-۴ و ۳-۲۸، مرقس، ۱/۱-۲۱ و ۴۵-... و...) زنده کردن مردگان (متی، ۱۴/۲۳-۳۶) فرمان به باد و طوفان (متی، ۸/۲۳-۲۷، مرقس، ۴/۳۵-۴۱) راه رفتن روی آب (متی، ۱۴/۲۳-۳۶) برکت دادن به نان و ماهی و سیر کردن جمعیت زیاد (متی، ۱۴/۲۱-۴۱، مرقس، ۶/۳۰-۴۴...) خشک کردن درخت انجیر (متی، ۲۱/۱۸-۲۲) تبدیل آب به شراب (یوحنا، ۲/۱-۱۱) و نیز طرد شیطان و ارواح پلید (متی، ۸/۳۲-۳۰) عنوان نمود.

قرآن کریم نیز در راستای بیان موقعیت و جایگاه نبوی و رسالی حضرت عیسی (ع) و حقانیت و حیانت دعوت و مأموریت آن حضرت، معجزات بزرگ و سترگی را مطرح می کند که در برخی موارد با معجزات مورد اشاره در اناجیل اربعه، مشترک و در پاره ای موارد متفاوت و متغایر با آنان می باشد. سخن گفتن عیسی مسیح (ع) در گهواره، (مریم، ۲۹) ساختن پرندگانی از گل و دمیدن روح در آنان (آل عمران، ۴۹، المائده، ۱۱۰) شفای کورمادرزاد و مرض پیسی (آل عمران، ۴۹؛ المائده، ۱۱۰) زنده کردن مردگان (همانجا) نزول مائده آسمانی (المائده، ۱۱۲) اخبار غیبی (آل عمران، ۴۹) و مسخ کردن کافرین (المائده، ۷۸) از مهمترین معجزات و آیات بیانگر نبوت الهی است که در قرآن کریم از آنها یاد شده است.

۳-۳- شهادت خود حضرت عیسی مسیح (ع) و بشارت دیگران

علاوه بر موارد یاد شده، عبارات و گزاره هایی در اناجیل اربعه و نیز آیات قرآن کریم یافت می شوند که از زبان خود حضرت عیسی مسیح (ع) صادر شده و به نوعی منبع و مبنایی برای حقیقت نبوت و تعالیم رسالی آن حضرت تلقی می شود. در همین راستا مطابق روایات اناجیل، عیسی به حقیقت و درستی رسالت و دعوت خویش اقرار و چنین تصریح می کند: «پس عیسی باز برایشان خطاب کرده و گفت: من نورعالم هستم، کسی که مرا متابعت کند در ظلمت ساکن نشود بلکه از حیات یابد. آنگاه فریسیان بدو گفتند تو بر خود شهادت می دهی پس شهادت تو راست نیست. عیسی در جواب ایشان گفت هر چند من بر خود شهادت می دهم شهادت من راست است زیرا که می دانم از کجا آمده ام و به کجا خواهم رفت... بلکه من به خود

شهادت می دهد و پدری که مرا فرستاده نیز برای من شهادت می دهد (یوحنا، ۱۲/۸-۴۹). این تعبیر مسیح به ویژه تعبیر «نور عالم» نشانه ای بر عظمت شخصیت وی و نیز حقانیت دعوت و رسالت اوست که در سایه تبعیت و متابعت از وی می توان به حیات جاودانه دست یافت چرا که تعبیر فوق، رسالت و تکلیف وی را در روشنی بخشی به مردم در جهت نجات تاریکی ها و سلوک درمسیر نور و هدایت عمیق تر بیان می دارد. در بیانی دیگر عیسی بر حقانیت نبوت و ماموریت خویش از سوی فرستنده راستینش گواهی می دهد و مبانی رسالت خویش را الهی معرفی می کند: «و عیسی چون در هیکل تعالیم می داد ندا کرده گفت: مرا بشناسید و نیز می دانید از کجا هستم و از خود نیامده ام بلکه فرستنده من حق است که شما او را نمی شناسید. اما من او را میشناسم زیرا که از او هستم و او مرا فرستاده است». (یوحنا، ۲۸/۷-۲۹) علاوه بر شهادت عیسی بر حقانیت رسالت خویش، حضرت یحیی، پیامبر بنی اسرائیل نسبت به نبوت و عمق تعالیم و اصالت وی بشارت و اخبار نموده و به ستایش و تجلیل از آن مقام رسالت برمی آید: شخصی از جانب خدا فرستاده شده که اسمش یحیی بود. او را برای شهادت آمد تا بر نور شهادت دهد تا همه به وسیله او ایمان آورند. او آن نور نبود بلکه آمد تا بر نور شهادت دهد. آن نور حقیقی بود که هر انسان را منور می گرداند... یحیی براو شهادت داد و ندا کرده می گفت. این است درباره او گفتم آنکه آنکه بعد از من می آید پیش از من شده است زیرا که بر من مقدم بود» (یوحنا، ۱-۶/۱۲). در این فراز، یحیی از عیسی با تعبیر «کلمه» و «نور» یاد می کند که درپرتو آن نور و به طفیلی آن نور، عالم ممکنات و حتی خود یحیی(ع) هم از نور، وجود و هستی یافته است آنجا که یحیی تصریح می کند که به واسطه فیض وجودی اوست که ما همگی بهره و وجود یافتیم (یوحنا، ۱۲/۱-۲۰). (اکبری، ۱۶۷/۳۷) در بیان قرآن کریم نیز صراحتاً عیسی مسیح(ع) برحقانیت بعثت خویش و ابلاغ پیامهای الهی تاکید ورزیده و از مقام رسالت و تبلیغ خویش سخن به میان می آورد: «و اذ قال عیسی ابن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصداقاً لما بین یدی من التوراه». (الصف، ۶) علاوه بر آن درضمن آیه دیگری عیسی بر نبوت و مبانی توحیدی دعوت خویش چنین اشاره می کند: «و رسولاً الی بنی اسرائیل انی قد جئتکم بآیه من ربی...» (آل عمران، ۴۹) من نشانه ای ازسوی پروردگارتان برایتان آورده ام. علاوه بر شهادت عیسی مسیح(ع) بر نبوت و حقانیت رسالت خویش، یحیی پیامبر بزرگ بنی اسرائیل نیز درمقام بشارت و تصدیق کنندگی رسالت و ماموریت توحیدی عیسی برمی آید که در طی همین بشارت و تصدیق، رابطه تنگاتنگ نبوت میان آن دو بروز پیدا می کند این رابطه فقط در یک آیه و آن هم درحین بشارت ولادت یحیی(ع) به زکریا (ع) انجام می پذیرد: «فنادته الملائکه و هو قائم یصلی فی الحراب ان الله یشرک بیحیی مصداقاً بکلمه من الله...» (آل عمران، ۳۹).

۴- اصول دعوت و نبوت عیسی مسیح (ع)

مسیح منجی قوم یهود و بشارت داده شده در عهد قدیم می باشد و هم اوست که در عهد جدید به نام عیسی مسیح است. مسیح در عهد قدیم به صورت یک پیشگویی ازگفته های پیامبران بنی اسرائیل و به صورت بسیار مختصر مطرح شده و عمده زندگی و داستان نبوت و تعالیم مسیح را در عهد جدید بویژه در اناجیل اربعه می بینیم به طوری که گفته شد انجیل عملاً تنها مأخذ برای شرح زندگی و تعالیم عیسی هستند. (کارپنتر، ۴۲) از همین روی، کودکی عیسی در عهد قدیم پرورش نیافته و به آن پرداخته نشده مگر چند اشاره بسیار که تنها در اناجیل لوقا به صورت مختصر به دوران کودکی عیسی مسیح پرداخته است (لوقا، ۲۱/۲-۴۰) به عبارتی می توان گفت که کودکی عیسی در عهد جدید کودک مانده است و داستان این برهه از زندگی عیسی را به بلوغ نرسانده اند و در قرآن کریم نیز کمرنگ تر از عهد جدید می باشد (اشرفی، ۳۲۹) به هر حال هرچند که انجیل نویسان درباره دوران جوانی مسیح چندان سخن نمی گویند ولی او با صنعتگران ده خود، با زمین داران بزرگ، مباشران و بردگان محیط روستایی خویش آشنا بود که در گفته های وی بارها به آنها اشاره می شود. داستان پرسش هایش از علما در معبد باور کردنی نیست ولی ذهنی بیدار و کنجکاو داشت. ولی وی از تعالیم و تربیت رسمی برخوردار نبود و همین امر موجب شگفتی فراوان همسایگان وی می شده است. (دورانت، ۶۵۹/۵) بنابراین بنا به گزارش اناجیل، شروع تعلیمات عیسی مسیح (ع) پس از آزمایش چهل روزه او در بیابان یهودا به وسیله فرشتگان و بعد از قتل یحیی (ع) در ایالت جلیل در کفر ناحوم شروع می شود. هرچند که برخی براین باورند که وی در سن سی سالگی مبعوث به نبوت شده است (هیوم، ۳۸۵؛ توفیقی، ۱۱۴) باری مهمترین اصول دعوت و تعالیم عیسی مسیح (ع) را که به عنوان فلسفه رسالت و مأموریت خویش نیز برشمرده است می توان در گزاره های ذیل جستجو نمود:

۴-۱- ایمان به خداوند و پرهیز از شرک

خداشناسی، خداباوری و ایمان همراه با محبت نسبت به خداوند از مهمترین اصول تبلیغی عیسی مسیح (ع) در اناجیل به شمار می رود. آنجا که می فرماید: دل شما مضطرب نشود و به خدا ایمان آورید به من نیز ایمان آورید- در خانه پدر من منزل بسیار است و الاّ به شما می گفتم تا برای شما مکانی حاضر کنم». (یوحنا ۱/۱۴-۲) این بیان مسیح، نه تنها بیانگر دعوت توحیدی او می باشد بلکه نشان می دهد که مساله وجود خدا برای پیروان و مخاطبان وی تبلیغ و ترسیم شده بود که به تبع آن برای ایمان به خداوند دعوت شده بودند. و در فراز دیگری از توحید ذاتی چنین سخن به میان می آورد: «لیکن شما آقا خوانده مشوید زیرا استاد شما یکی است یعنی مسیح و جمیع شما برادرانید و هیچ کس را بر زمین پدر خود نخوانید زیرا پدر

شما یکی است که در آسمان است و پیشوا خوانده مشوید زیرا پیشوای شما یکی است یعنی مسیح». (متی، ۲۲/۱۰-۷). البته گزاره های اناجیل اربعه در باب خدانشناسی در موارد متعددی گزارش شده که بالغ بر بیش از بیست مورد می باشد.

قرآن کریم نیز مهمترین فلسفه بعثت و نیز اصول تبلیغی حضرت عیسی بن مریم را در دعوت مردم به سوی توحید و اطاعت الهی و پرهیز دادن آنان از شرک نسبت به خدای واحد معرفی می کند و چنین می فرماید: «ولما جاء عیسی بالبینات قال قد جئتکم بالحکمه ولایین لکم بعض الذی تختلفون فیہ فاتقوا الله و اطیعون ان الله هو ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم» (الزخرف، ۶۳-۶۴) رعایت پروای الهی و اطاعت از فرستاده خداوند به عنوان مهمترین محور دعوت و نبوت عیسی(ع) معرفی می شود که ضامن حرکت در مسیر صراط مستقیم الهی خواهد بود. در آیه دیگر آن حضرت صراحتاً شرک و الحاد نسبت به خداوند را شدیداً مورد انکار و تحریم قرار می دهد و چنین می فرماید: «و قال المسیح یا بنی اسرائیل اعبدوا الله ربی و ربکم انه من یشرك بالله فقد حرم الله علیه الجنة و ماویه النار و ما للظالمین من انصار». (المائده، ۷۲) در این آیه صراحتاً در برابر شرک موضع گیری نموده و ارتکاب آن را مستوجب دوری از بهشت و اقامت در دوزخ و حرکت و مسیر ظلم معرفی می کند.

۴-۲- بشارت ملکوت

عیسی به شهرها می رفت و معجزه ای انجام می داد و بنی اسرائیل را به فرارسیدن ملکوت خداوند بشارت می داد. این درحالی است که بشارت به دوران درخشان حیات بشری که در آن مفاصل اجتماعی مهارشده و زمینه رشد و تعالی انسانها فراهم آمده باشد، یکی از محورهای اصلی تبلیغ در جوامع مختلف و تقویت کننده نشاط و امید در جامعه بشری بود که در کلمات و نوشته های پیامبران و در کتب آسمانی آمده است و تمام پیامبران بزرگ در آن سهیم بوده اند. بشارت به ظهور دین خاتم و قابلیت بشر برای برخورداری از هدایت جهانی و همیشگی از مهم ترین حادثه تاریخ بشریت در کلمات تمام پیامبران بزرگ خدا و در کتب آسمانی از محورهای مهم تبلیغ بوده است. (زیبایی نژاد، ۲۷۳). بنابراین مسأله بشارت و بویژه بشارت نزدیک بودن ملکوت خدا، ملکوت آسمان و زمین در عهد جدید بویژه در اناجیل اربعه از زبان یحیی تعمید دهنده و نیز عیسی مسیح(ع) صادر شده است. در این که مفهوم دقیق این اصطلاح چیست و مصداق واقعی آن کدام است، نظر یکسانی از سوی انجیل پژوهان مسیحی ارائه نشده است و هر یک آن را به وجهی حمل و تفسیر کرده اند. (نک: هاکس، ۸۳۴ و هیوم، ۳۴۱). عده ای نیز آن را به ولایت و سرپرستی خدا تفسیر کرده اند که باید پذیرای آن در زندگی خویش باشند (میشل، ۶۷) در حالی که با واکاوی دقیق در متون قدیمی و نیز

نسخه غیرمشهور عصر جدید و حتی اناجیل مشهور چهارگانه و سایر قرائن، چنین استنباط می شود که این بشارت به شخصیت و انسانی بزرگ و برجسته جهانی بر می گردد نه به خداوند همچنان که در کلام و تعالیم یحیی از عظمت شخصیت و نبوت عیسی، به ملکوت خداوند تعبیر شده است. (متی، ۱/۳؛ یوحنا، ۱۲/۱-۲۰؛ یوحنا، ۲۸/۳-۳۳) عیسی مسیح نیز در مورد پیامبر خاتم(ص) حساسیت فوق العاده ای داشت (الصف، ۶) با وجود این، متن کنونی کتاب مقدس در بردارنده بسیاری از این بشارتهای روشن نیست چرا که احتمال دارد با گذشت زمان عبارات محکم به عبارات چند پهلو تغییر یافته باشند. بستانی در دائره المعارف خود ضمن معرفی فرقه ابیون که در قرون اولیه میلادی می زیستند و از فرقه هایی بودند که به مسیحیت راستین بسیار نزدیک و از بدعت ها بیزار بودند که بر حفظ شریعت موسوی وانتساب به پطرس تاکید و از پولس تنفرداشتند، درباره آنان چنین می نویسد: «آنان منتظر شریعت مسیحی موعده آخرالزمان که در کتاب اشعیا مذکور است بودند». (بستانی، ۴۲۶/۲) بنابراین آنان عیسی (ع) را موعود جهانی ندانسته و در انتظار مسیحی آخر الزمان بودند که او را شخص انسانی می دانستند و بشارت به مسیحی موعود را در منابع مسیحی یافته بودند (زیبایی نژاد، ۲۲۳) در انجیل برنابا آمده است که مراد از لفظ مسیّا که بر زبان پیامبران جاری بوده است و به آن بشارت می دادند، رسول اکرم (ص) است (برنابا، ۱۵/۴۲) هرچند که بنابه نوشته منابع تاریخی پس از ظهور مسیح(ع) اشخاصی به نام فارقلیط، موعود مسیح قیام کردند (نک: دورانت، ۱۵/۴۲) تا جایی که گفته شد که مانی هم از جمله شخصیت هایی است که در قرن سوم میلادی، پس از آن که مدتی را در سلک مسیحیت سپری کرد، دین جدیدی را اختراع کرد و خود را فارقلیط، موعود مسیح (ع) خواند. (زیبایی نژاد، ۲۲۳) همچنان که درباره عقیده مانی چنین نوشته اند که وی معتقد بود که کتاب عهد قدیم متعلق به امیرتاریکی است و نوشته های پولس بی ارزش است. عیسی پیامبر راستین نور است و زندگی جسمانی و مرگ او صورت ظاهر است. تا جایی که همین نویسنده مانی را همان روح القدس می دانست که ظهور او را عیسی(ع) قبلاً خبر داده است و وظیفه دارد در تکمیل ادیان بکوشد. (شاله، ۲۱۶) این در حالی است که مانی دوازه رسول را هم از جانب خود به بلاد مختلف فرستاد و کتابی برای هدایت خلق به آنان ارائه کرد. او در اناجیلی که آن را به حروف ابجد در بیست و دو حرف وضع کرده است. می گوید: «منم فارقلیطی که بشارت داد به وجود او حضرت مسیح(ع)». (تقی زاده، ۲۰۴ و ۵۳۳) براساس این نوع گزارشها و اعتقادات ملاحظه می شود که در اذهان بسیاری از مردم قرون ابتدایی مسیحیت، فارقلیط شخصی، انسانی، موعود مسیح و رئیس این جهان و خاتم پیامبران الهی است که بشارت مورد بحث به شخص انسانی نظر دارد که با توجه به احادیث و روایات فریفتن و برخی دیگر از منابع مسیحی، به وجود مبارک حضرت محمد مصطفی(ص) پیامبر اسلام و آخرین سفیر الهی اشاره دارد (نک: زیبایی نژاد ۲۳۵-۲۳۸). قرآن کریم نیز ضمن تبیین و توصیف مقام نبوت و نیز حقیقت دعوت حضرت عیسی مسیح (ع)، همسو و همنوا با بشارت اناجیل

به یکی از مهمترین و اساسی ترین اصول دعوت و منشور رسالت عیسی مسیح اشاره و از بشارت خاص آن حضرت نسبت به آخرین و بزرگترین پیامبر الهی بعد از خود سخن می گوید و صراحتاً از نام حضرت ختمی مرتبت احمد (ص) یاد می کند: «و اذ قال عیسی ابن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصداقاً لما بین یدی من التوریه و مبشراً برسول یاتی من بعدی اسمہ احمد فلما جاہم بالبینات قالوا هذا سحر مبین». (الصف، ۶) در این آیه عیسی (ع) که در مقام سخن و گفتگو با بنی اسرائیل است سه شان و سه مسئولیت را برای خود بیان می کند که همین سه شأن، رکن و مبنای اساسی نبوت وی را تا حدود زیادی در بر می گیرد: شأن رسالت، تصدیق و تبشیر نسبت به رسول خاتم (ص). با دقت در مفهوم روشن بشارت بویژه بشارت نسبت به بعثت پیامبری بزرگ و نیز تدبر در فراز پایانی آیه «و مبشراً برسول یاتی من بعدی...» چنین فهمیده می شود که آنچه پیامبر اکرم (ص) می آورد راقی تر و کاملتر از دینی است که تورات و اناجیل متضمن آن است. (طباطبائی، ۲۶۲/۱۹؛ بهشتی، ۲۳۴).

۴-۳- تکمیل تورات و کتب انبیای پیشین

براساس گزاره ها و گزارش های اناجیل چهارگانه از دیگر اصول دعوت و منشور نبوت حضرت عیسی مسیح (ع)، مأموریتی است که آن حضرت نسبت به شریعت و کتاب آسمانی پیش از خود، تورات و نیز پیامبران قبل از خود دارد. این مأموریت چنین بیان شده است: «همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند. گمان میرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. زیرا هرآینه به شما می گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود.» (متی، ۱۶/۵-۱۸) این فراز از کلام عیسی (ع) که در ادامه موعظه مشهور وی برفراز کوه صادر شده است از یکسو به حقانیت و الهی بودن رسالت آن حضرت اشاره دارد و ازسوی دیگر بر مقصد و مأموریت مشترک این پیامبر همراه با سایر فرستادگان الهی در دعوت مردم به سوی انجام دستورات الهی براساس آموزه های وحیانی کتاب مقدس دلالت دارد. از این رو آن حضرت مسأله ابطال تعالیم شریعت موسی (ع) و پیامبران پیش از خود را سلب و نفی نموده براجرای کامل و تکمیل همه معارف آنها بویژه تورات تاکید و اهتمام می ورزد.

قرآن کریم نیز ضمن آیه ای به بیان موضع آن حضرت نسبت به شریعت پیش از خود اشاره نموده و از جمله اصول دعوت عیسی مسیح (ع) را تصدیق تورات در راستای انجام رسالت الهی خویش بر شمرده است: «و اذ قال عیسی ابن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصداقاً لما بین یدی من التوراه و مبشراً برسول یاتی من بعدی...». (الصف ۶) اعلام مقام تصدیق تورات توسط عیسی مسیح در قرآن کریم که همانند گزارش انجیل

متی، در حضور مخاطبین و به صیغه خطابی صوت پذیرفته است. مغایرتی با نسخ پاره ای از احکام آن ندارد چنانکه پیامبر عظیم الشان اسلام (ص)، تورات و انجیل را تصدیق و در عین حال پاره ای از احکام آن را نسخ کرد. (بهشتی، ۲۲۳)

۴-۴- تعلیم و تبیین کتاب

تعلیم و تربیت آموزه های اخلاقی و دینی و نیز تبیین و تفسیر کتاب وحی، بخش دیگری از اصول نبوت و منشور دعوت عیسی مسیح (ع) در اناجیل معرفی شده است. آنجا که می گوید: «چون نصف عید گذشته بود عیسی به هیکل آمده و تعلیم می داد و یهودیان تعجب نموده گفتند این شخص هرگز تعلیم نیافته چگونه کتب را می خواند عیسی در جواب ایشان گفت: تعلیم من از من نیست بلکه از فرستاده من». (یوحنا، ۱۴/۷-۱۷) نظیر همین فقرات با تاکید بر تعالیم آموزه های اخلاقی و تعلیم مردم در پرتو تعالیم پیامبران پیشین در بخش های دیگر نیز ذکر شده است: «او در کنائس ایشان تعلیم می داد و همه او را تعظیم می کردند ... آنگاه صحیفه اشعیای نبی را بدو دادند و چون کتاب را گشوده موضعی را یافت که مکتوبست روح خداوند بر من است زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاد تا شکسته دلان را شفا بخشم ...». (لوقا، ۴/۲۱-۱۵).

قرآن کریم نیز به موضوع دریافت کتاب آسمانی و مقام نبوت از سوی خداوند و از زبان عیسی مسیح (ع) اشاره و آن را از جمله نخستین سخنان و دعوت رسالی آن حضرت در دوران نوزادی معرفی می کند: «قال انی عبدالله آتانی الكتاب و جعلنی نبیا». (مریم، ۳۰) علاوه بر آن قرآن کریم از تعلیم کتاب و حکمت توسط آن حضرت در آیه دیگر چنین یاد می کند: «ولما جاء عیسی بالبینات قال قد جئتکم بالحکمه و لایین لکم بعض الذی تختلفون فیه ...». (الزخرف، ۶۳) در این آیه حکمت و تعلیم و تربیت آموزه های وحیانی در پرتو معجزات بین و روشن توسط عیسی مسیح (ع) به عنوان بخش مهمی از اصول نبوت ایشان معرفی شده است.

۴-۵- داوری، جداسازی و خدمتگزاری

مقام داوری و تفریق از دیگر مطالبی است که در اناجیل اربعه پیرامون مساله نبوت مسیح (ع) به عنوان منشور و فلسفه بعثت ایشان بیان شده است: «عیسی چون شنید که او را بیرون کرده اند وی را جسته گفت آیا تو به پسر خدا ایمان داری؟ او در جواب گفت: ای آقا، کیست تا به او ایمان آورم؟ عیسی بدو گفت تو نیز او را دیده ای و آنکه با تو تکلم می کند همان است. گفت ای خداوند ایمان آوردم پس او را پرستش نمود. آنگاه عیسی گفت: من در این جهان به جهت داوری آمدم تا کوران، بینا و بینایان، کور شوند». (یوحنا،

۳۹-۳۵/۹). علاوه بر مقام داوری و برقراری عدالت و برابری، از جایگاه و رسالت جداسازی نیکان از بدان در مأموریت عیسی مسیح(ع) نیز گزارش شده است: «من آمدم تا آتشی در زمین افروزم. پس چه می خواهم اگر الان در گرفته است... آیا گمان می برید که من آمده ام تا سلامتی بر زمین بخرم نی بلکه به شما می گویم تفریق را. زیرا بعد از این، پنج نفر که در یک خانه باشند، دو از سه و سه از دو جدا خواهند شد». (لوقا، ۵۲-۴۹/۱۲) روشننگری و حل اختلافات و نیز جداسازی نیکوکاران از بدکاران و گناهکاران، از مأموریت های مهم عیسی مسیح(ع) در راستای رسالت وی معرفی شده است چرا که همواره در مسیر تبلیغ و دعوت انبیاء، سره از ناسره و ناخالصی از خالصی جدا خواهد شد. نتیجه آن که این بعد از رسالت مسیح، بر جنبه انقلابی و تهاجمی وی نسبت به مستکبران و زورگویان دلالت می کند آنجا که مردم آسایش طلب، تصور نادرستی از مسیحی موعود داشتند و او به منظور تصحیح اندیشه های آنان، هدف رسالت خویش را در سایه شمشیر به جای سلامت می بیند. (توفیقی، ۱۱۷). او در فرازی دیگر از مقام خدمتگزاری و تواضع خویش صحبت کرده و از مخدوم واقع شدن و سروری پیدا کردن برامتها بیزاری می جوید. «عیسی ایشان را پیش طلبید گفت آگاه هستید که حکام امتهای برایشان سروری می کنند و روسا برایشان مسلطند. لیکن در میان شما چنین نخواهد بود بلکه هر که در میان شما می خواهد بزرگ گردد خادم شما باشد و هر که می خواهد در میان شما مقدم بود غلام شما باشد چنانکه پسر انسان نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد...». (متی، ۲۵/۲۰-۲۸). در این فراز از کلام عیسی (ع) از یکسو، تسلط و سیطره جاه طلبانه حکام بر امتهای و استکبارورزی آنان مورد مذمت واقع شده و از سوی دیگر، خدمتگزاری و تواضع متقابل پیروان راستین وی مورد ستایش قرار گرفته و به عنوان بخش مهمی از میثاق نبوت مسیح و هواداران واقعی وی بیان شده است.

قرآن کریم نیز ضمن بیان آیات روشننگر خویش در خصوص تبیین مقام و موقعیت رسالی این پیامبر بزرگ الهی، به مأموریت مهم عیسی مسیح (ع) در روشننگری آیات و نیز رفع اختلاف و تعارض در محتوای شریعت و احکام مورد اختلاف اشاره می کند و چنین می فرماید: «ولما جاء عیسی بالبنیات قال قد جئتکم بالحکمه لاین لکم بعض الذی تختلفون فیه فاتقوا الله و اطیعون ان الله هو ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم...». (الزخرف، ۶۳-۶۴). از جمله مأموریت های رسالی حضرت عیسی(ع) در این آیه رفع اختلاف در حوزه احکام الهی از حیث مفهوم یا مصداق بر پایه بینات و حکمت و معجزه معرفی می شود. از سوی دیگر آن حضرت، در یک موضعگیری شفاف و صریح و قاطع به نوعی جداسازی پیروان راستین از خرافه گرایان و غالیان متحجر می پردازد و با صراحت تمام، شرک به خدا را تحریم می کند و همگان را به حرکت در مسیر توحید فرا می خواند: «لقد کفر الذین قالوا ان الله هو المسيح ابن مریم و قال المسيح یا بنی اسرائیل اعبدوا الله ربی و ربکم انه من

يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة و ماويه النار و ماللظالمين من انصار». (المائده، ۷۲) و سرانجام قرآن کریم نیز از مقام تواضع، خدمتگزاری و نیز پرهیز ذاتی عیسی بن مریم از هر نوع تکبر، شقاوت و جباریت در پیشگاه خداوند، مردم و حتی مادر بزرگوارش چنین سخن به میان می آورد: « و جعلني مبارکاً این ما کنت و اوصاني بالصلوه و الزکوه ما دمت حياً و براً بوالدتي و لم يجعلني جباراً شقیاً...». (مریم، ۳۱-۳۲) بالاترین مقام تواضع و خدمت عیسی مسیح (ع)، خدمتگزاری و احسان و نیکی وی در حق مادر بزرگوارش معرفی شده است.

۴-۶- نجات جهان و آزادی مردم

مطابق گزارش اناجیل از جمله مأموریت های عیسی مسیح نجات گناهکاران و دعوت آنان به سوی توبه معرفی شده است: «... به شما می گویم که بر این منوال خوشی در آسمان رخ می نماید. به سبب توبه یک گناهکار بیشتر از نود و نه عادل که احتیاج به توبه ندارد همچنین به شما میگویم شادی برای فرشتگان خدا روی می دهد به سبب یک خطاکار که توبه کند». (لوقا، ۱/۱۵-۱۰) عیسی مسیح در فراز مهمترین علاوه بر نجات گناهکاران، منشور دعوت و قلمرو رسالت خود را به صورت جهانی مطرح کرده و مهمترین مأموریت خویش را نجات جهان و آزادی مردم و سوق دادن آنان از ظلمت به سوی نور معرفی می کند: «زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که براو ایمان آورده هلاک نگردد بلکه حیات جاودانه یابد. زیرا خدا پسر خود را در جهان فرستاد تا بر جهان داوری کند بلکه تا به وسیله او جهان نجات یابد». (یوحنا، ۳/۱۶-۲۰) و در جای دیگر، از آزادی مردم و هدایت آنان از تاریکی به سوی نور سخن می گوید: «من نوری در جهان آمدم تا هر که به من ایمان آورد در ظلمت نماند و اگر کسی کلام مرا شنید و ایمان نیاورد من برای او داوری نمی کنم زیرا که نیامدم تا جهان را داوری کنم بلکه تا جهان را نجات بخشم». (یوحنا، ۱۲/۴۵-۴۷). پیداست که مفهوم نجات و آنچه که به عنوان بخشی از مأموریت و اصول نبوت عیسی مسیح (ع) در این فرازها ذکر شده با برداشتی که دانشمندان مسیحی و کلیسا تاکنون دارند، بسیار متفاوت است چرا که آنان از نجات بخشی عیسی، مفهوم خاص و عقیده ای خاص را دنبال می کنند همچنان که برخی بر این باورند که خداوند نجات بشر را اراده کرده و آن اراده را علیرغم وجود گناهکاران فراوان، محقق ساخته است. از آنجا که عیسی به وسیله قدرت نجات بخش خدا بر رنج و مرگ پیروز شد، بشریت تحقق وعده های خدا را در مورد آنچه برای مصلحت ما انجام داده و خواهد داد، مشاهده کرد. خدا به وسیله عیسی جامعه ای را پدید آورد که پیوسته بر نجات بخشی خدا گواهی خواهد داد. (میشال الیسوعی، ۷۷).

قرآن کریم مأموریت ذاتی و اصلی همه پیامبران و فرستادگان الهی از جمله عیسی مسیح (ع) را در دعوت به سوی توحید و پرهیز از طاغوت و ظلمت معرفی می کند به گونه ای که با حرکت درصراط مستقیم توحید، به مقام رستگاری، آزادی و نجات، راه یافته و مشمول نور و رحمت الهی خواهد شد: «لقد بعثنا فی کل امه رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...» (النحل، ۳۶). ولی هیچ گاه نه در قرآن و نه در سایر آموزه های اسلامی، از مفهوم نجات با شاخصه ها و آموزه های خاص مسیحی سخن به میان نیامده است. از این رو می توان در راستای تبیین دیگر اصول دعوت عیسی مسیح (ع) در آیات قرآن، به دو محور اصلی نماز و زکات یاد کرد: «وجعلنی مبارکاً ایمناً کنت و اوصانی بالصلوه و الزکوه ما دمت حياً و برأ بوالدتی ولم يجعلنی جباراً شقیماً» (مریم، ۳۱-۳۲). از این رو مهمترین اصل نبوت عیسی مسیح را می توان در دو محور نماز، رابطه انسان با خدا و نیز زکات رابطه انسان با انسان معرفی نمود که قطعاً مطابق آموزه های روایی اسلامی شرط قبولی اعمال و راه نجات انسان در گروه نماز و زکات است: «ان قبلت قبل ماسواها و ان ردت ردما سواها» (کلینی، ۲۶۸/۳)

۴-۷- فدا شدن

از دیگر مأموریت های مسیح در اجرای امر خداوند در مسیر دعوت به سوی نور و نجات در گزاره های اناجیل، مسأله فدا شدن وی برای نجات همیشگی امت معرفی شده است: «و هر که می خواهد در میان شما مقدم بود غلام شما باشد چنانکه پسر انسان نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد» (متی، ۲۰/۲۸) و در فراز دیگری در قالب تمثیل در این باره چنین گزارش کرده اند: «من شبان نیکو هستم و خاصان خود را می شناسم و خاصان من را می شناسند چنانکه پدر، مرا می شناسد و من پدر را می شناسم و جان خود را در راه گوسفندان می نهم... و از این سبب پدر مرا دوست می دارد که من جان خود را می نهم تا آن را بازگیرم» (یوحنا، ۱۰/۱۲-۱۷). در این دو فقره از اناجیل متی و یوحنا، از جمله مهمترین آثار تبلیغی و رسالی عیسی مسیح (ع) فدا شدن آن حضرت در مسیر نجات امت و بر دوش کشیدن گناه آنان در مسیر رها بخشی بیرونی خود از ظلمت به سوی نور می باشد. براساس برخی آموزه های مسیحی، انسان جنایاتی مرتکب شده بود که می خواست به سبب آنها مجازات شود ولی عیسی (ع) جای ما را گرفت و به جای ما مجازات شد (هورن، ۲۴) هر چند که برخی به مخالفت با عقیده هم کیشان خود برآمده اند و سعی در تعدیل نظریه فدا داشته اند. مخالفان نظریه فدا بر این باورند که این نظریه چنین فرض می کند که خداوند خون مسیح را که بیگناه از هر خطایی بود، تاوان گناه دیگران ساخت و در این مسیر، مسیح را به سخت ترین عذاب و به مرگی دردناک گرفتار نمود. از این رو هیچ انسانی چنین روش وحشیانه و

ظالمانه را برای رسیدن به مقصود نمی پسندد پس چگونه می توان به خداوند چنین کاری را نسبت داد؟ (میشل، ۷۱؛ زیبایی نژاد، ۳۹۸).

قرآن کریم ضمن ردّ عقیده باطل فدا درباره ماموریت رسالی عیسی مسیح (ع) نه تنها چنین اندیشه و تلقی خشونت بار و رقت باری را درباره این پیامبر عظیم الشان به تصویر نمی کشد، بلکه آن حضرت را در تمامی حالات و مکانها، مبارک و شخصیتی با برکت معرفی می کند به گونه ای که هر جایی که او قرار بگیرد و حضور بیاید، منشاء آثار و برکات خواهد بود علاوه بر آن، ایشان درسه مقطع مهم و مشقت زا یعنی زمان تولد، زمان مرگ و زمان رستاخیز، در امنیت و سلامتی از ناحیه خداوند قرار داده شده است: «وجعلنی مبارکاً اینما كنت و اوصانی بالصلوه و الزکوه مادمت حياً و براً بوالدتی و لم يجعلنی جباراً شقیماً و السلام علی یوم ولدت و یوم اموت و یوم ابعث حياً». (مریم، ۳۱-۳۳).

۴-۸- نتیجه مقاله

مهمترین نتایج و دستاورهای تحقیق حاضر را چنین می توان عنوان و دسته بندی نمود:

۱- در متون اناجیل اربعه و آیات قرآن کریم، اصل نبوت از اساسی ترین و پرکاربردترین مفاهیم دینی بعد از مسائیل خداشناسی و معادشناسی می باشد.

۲- در قرآن کریم و مطابق گزارش های اناجیل اربعه ضمن تصریح بر نبوت و رسالت حضرت عیسی (ع) مهمترین مبانی نبوت آن حضرت را می توان در مقوله هایی نظیر: نزول روح القدس، ارائه معجزات و نیز اقرار و شهادت خود آن حضرت و بشارت انبیاء دیگر جستجو نمود. با این تفاوت که در قرآن کریم، عیسی مسیح (ع) شأنی جز رسالت و ابلاغ پیامهای الهی ندارد ولی در گزاره های اناجیل اربعه، علاوه بر تبیین جایگاه رسالی آن حضرت، گزاره هایی یافت می شود که برالوهیت وی نیز صراحت و دلالت دارد.

۳- هم در قرآن کریم و هم در اناجیل اربعه، اصلی ترین و مهمترین رسالت و منشور تعالیم عیسی مسیح (ع) دعوت به خداشناسی، بشارت ظهور شخصیت انسانی کامل و جهانی و نیز مبارزه با شرک و انکار روح القدس معرفی شده است.

۴- تکمیل تورات، رفع برخی از اختلافات و تعارضات موجود در شریعت، تعلیم کتاب، خدمت به بشریت و نجات آنان از ظلمت و ضلالت به سوی نور هدایت از جمله اصول مشترک حاکم بر نبوت و دعوت عیسی مسیح (ع) می باشد که در قرآن کریم و اناجیل مورد تاکید و اهتمام قرار گرفته اند.

۵- فدا شدن و نیز نجات بخشی، دو عنصر مهمی هستند که در آیین مسیحیت به شکل خاصی بدان پرداخته شده که عذاب شدن مسیح را مظهر نجات مردم از عذاب الهی و نیز فدایی امت بر شمرده اند در

حالی که این دو مقوله، هیچگاه مورد تایید اسلام و آموزه های قرآنی قرارنگرفته است. قرآن کریم بر مبارک بودن همیشگی آن حضرت و دعوت مردم به اقامه نماز و پرداخت زکات و نیز احسان به مقام مادر در راستای تحقق اراده الهی و مظهر مردم دوستی ایشان تصریح و تاکید می ورزد.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- *اناجیل اربعه (کتاب مقدس)*، ترجمه تفسیری فارسی، انجمن ترجمه و پخش کتاب مقدسه، تهران بی تا.
- ۳- برنابا، *انجیل برنا*، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۲ ش.
- ۴- اشرفی، عباس، *مقایسه قصص در قرآن و عهدین*، تهران، انتشارات دستان، ۱۳۸۲ ش.
- ۵- اکبری دستک، فیض الله، *بررسی تطبیقی موضوعات مشترک قرآن کریم و اناجیل اربعه*، رساله دکتری، به راهنمایی محمدعلی لسانی فشارکی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی و احد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۴ ش.
- ۶- همو، *مقایسه تطبیقی داستان حضرت زکریا (ع) و حضرت یحیی (ع) در قرآن و اناجیل اربعه*، فصلنامه علمی- پژوهشی صحیفه مبین، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۸۷ ش.
- ۷- آشتیانی، جلال الدین، *تحقیقی در دین مسیح*، نشرنگارش، ۱۳۶۸ ش.
- ۸- بستانی، پطرس، *دیره المعارف*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۰۰ م.
- ۹- بهشتی، احمد، *عیسی در قرآن*، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۰- تقی زاده، سید حسن، *مانی و دین او*، تهران، انجمن ایران شناسی، چاپخانه مجلس، ۱۳۳۵ ش.
- ۱۱- توفیقی، حسین، *آشنایی با ادیان بزرگ*، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب و انتشارات سمت، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۲- تونی، لین، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، تهران، انتشارات فرزانه، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۳- زیبایی نژاد، محمدرضا، *مسیحیت شناسی مقایسه ای*، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۴- دورانت، ویل، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۵- شاله، فیلیسین، *تاریخ مختصر ادیان بزرگ*، ترجمه منوچهر خدایار محبی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.

- ۱۶- شهرستانی، محمد، الملل و النحل، به کوشش محمد بدران، قاهره، ۱۳۷۵ ق.
- ۱۷- طباطبائی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۹۹۵ م.
- ۱۸- کارپنتر، همفری، عیسی، ترجمه حسن کامشاد، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، بی تا.
- ۲۰- میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه، حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- ۲۱- میخال الیسوعی، توماس، المدخل الی العقیده المسیحیه، بیروت دارالمشرق، ۱۹۸۶ م.
- ۲۲- هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۴۹ ش.
- ۲۳- هورن، ویلیام، راهنمای الهیات پروتستان، ترجمه میکائیلیان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
- ۲۴- هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، ترجمه، عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.